

۱۳۹۳ق؛ نهج الحق و كشف الصدق: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق)، به كوشش الحسنی الارموی، قم، دار الهجره، ۱۴۰۷ق؛ ينابيع الموده: القندوزی (م. ۱۲۹۴ق)، به كوشش علی جمال اشرف، تهران، اسوه، ۱۴۱۶ق.

علی درزی



### آیه انذار: آیه ۲۱۴ سوره شعراء دربارہ

#### انذار خویشاوندان پیامبر ﷺ

انذار مصدر باب افعال از ریشه «ن - ذ - ر» و به معنای آگاه ساختن همراه بیم و پرهیز است.<sup>۱</sup> این مفهوم در بیش از ۱۲۴ جا در قرآن به کار رفته<sup>۲</sup> و در کنار تبشیر از وظایف مهم پیامبران به شمار رفته است.

آیاتی چند، آیه انذار نامیده شده‌اند؛ از جمله: مدثر/ ۷۴، ۱-۲؛ توبه/ ۹، ۱۲۲؛ شوری/ ۴۲، ۷. اما مشهورترین آن‌ها آیه ۲۱۴ شعراء/ ۲۶ است که فرمان خداوند به پیامبر را برای انذار خویشاوندانش در آغاز دعوت علنی، در سال چهارم بعثت بیان می‌کند: ﴿وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾<sup>۳</sup> خداوند به رسول خود فرمان می‌دهد که پیش از ابلاغ دعوت عمومی، نخست خاندان خود را از عذاب الهی

(م. ۱۵۰ق)، به كوشش احمد فريد، دار الكتب العلميه، ۱۴۲۴ق؛ جامع البيان: الطبري (م. ۳۱۰ق)، به كوشش صدقي جميل، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۵ق؛ جوامع الجامع: الطبرسي (م. ۵۴۸ق)، قم، النشر الاسلامي، ۱۴۱۸ق؛ الدر المنثور: السيوطي (م. ۹۱۱ق)، بيروت، دار المعرفه، ۱۳۶۵ق؛ شواهد التنزيل: الحاكم الحسكاني (م. ۵۰۶ق)، به كوشش محمودي، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق؛ الصافي: الفيض الكاشاني (م. ۰۹۱ق)، بيروت، اعلمي، ۱۴۰۲ق؛ الطبقات الكبرى: ابن سعد (م. ۲۳۰ق)، بيروت، دار صادر؛ العين: خليل (م. ۱۷۵ق)، به كوشش المخزومي و السامرائي، دار الهجره، ۱۴۰۹ق؛ الغدير: الاميني (م. ۱۳۹۰ق)، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۶۶ش؛ في ظلال القرآن: سيد قطب (م. ۱۳۸۶ق)، قاهره، دار الشروق، ۱۴۰۰ق؛ الكافي: الكليني (م. ۳۲۹ق)، به كوشش غفاري، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۷۵ش؛ الكشاف: الزمخشري (م. ۵۳۸ق)، مصطفى البايي، ۱۳۸۵ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م. ۷۱۱ق)، قم، ادب الحوزه، ۱۴۰۵ق؛ مجمع البحرين: الطريحي (م. ۱۰۸۵ق)، به كوشش الحسيني، تهران، فرهنگ اسلامي، ۱۴۰۸ق؛ مجمع البيان: الطبرسي (م. ۵۴۸ق)، به كوشش گروهی از علماء، بيروت، اعلمي، ۱۴۱۵ق؛ المسترشد: الطبري الشيعي (م. قرن ۴)، به كوشش محمودي، تهران، كوشانپور، ۱۴۱۵ق؛ المصباح المنير: الفيومي (م. ۷۷۰ق)، قم، دار الهجره، ۱۴۰۵ق؛ مفردات: الراغب (م. ۴۲۵ق)، به كوشش صفوان داودي، دمشق، دار القلم، ۱۴۱۲ق؛ مناقب آل ابی طالب: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق)، به كوشش گروهی از اساتيد، نجف، المكتبة الحيدريه، ۱۳۷۶ق؛ الميزان: الطباطبائي (م. ۱۴۰۲ق)، بيروت، اعلمي،

۱. مفردات، ص ۴۸۷؛ تاج العروس، ج ۷، ص ۵۱۷، «نذر».

۲. المعجم الاخصائي، ج ۳، ص ۱۵۴۲.

۳. جامع البيان، ج ۱۹، ص ۱۴۸.

پیامبر ﷺ خطاب به حاضران، از رسالت خویش سخن گفت و از آنان در این راه یاری خواست؛ ولی هیچ کس جز علی رضی الله عنه دعوت او را اجابت نکرد و وعده یاری نداد.

پیامبر ﷺ پس از اتمام حجت بر قوم خود، علی بن ابی طالب رضی الله عنه را برادر، وصی و خلیفه خود در میان مردم خواند: «إِنَّ هَذَا أُخِيَّ وَ وصِيَّ وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا». <sup>۹</sup> جمع حاضر با طعنه زدن بر ابوطالب که اطاعت از پسرش بر او واجب شده بود، پراکنده شدند. <sup>۱۰</sup> این ماجرا که شمار فراوانی از اصحاب مشهور پیامبر چون امام علی رضی الله عنه، <sup>۱۱</sup> ابورافع <sup>۱۲</sup>، براء بن عازب <sup>۱۳</sup> و ابن عباس <sup>۱۴</sup> آن را روایت کرده‌اند، با اندکی اختلاف در منابع شیعه و سنی گزارش آمده است. <sup>۱۵</sup>

ماجرای آیه انذار به گونه‌هایی دیگر نیز گزارش شده است. با توجه به فضای زمانی و مکانی طرح این گزارش‌ها به نظر می‌رسد که مربوط به دوره دعوت عمومی و پس از

بترساند و دعوت توحید و رسالت را بر آنان عرضه کند. در بیان سبب آغاز دعوت از خویشاوندان، گفته‌اند ضرورت داشت تا پیامبر از حمایت خاندانش در محیط قبیله‌ای عرب برخوردار شود و نیز بر آنان اتمام حجت کند. <sup>۱</sup> بر پایه روایت‌ها، پیامبر پس از نزول این آیه به علی رضی الله عنه دستور داد که بنی‌المطلب <sup>۲</sup> را که در آن روز ۴۰ نفر از جمله عموهای پیامبر همچون ابوطالب، حمزه، عباس و ابولهب بودند، به خانه ابوطالب <sup>۳</sup> فراخواند. برخی نیز دعوت شدگان را بنی‌هاشم <sup>۴</sup> یا آل‌عبدمناف <sup>۵</sup> و محل دعوت را خانه خود پیامبر <sup>۶</sup>، شعب ابی‌طالب <sup>۷</sup> یا کوه ابوقیس <sup>۸</sup> دانسته‌اند. آن‌گاه همه مهمانان به گونه‌ای معجزه‌آسا، با یک صاع خوراک ران گوسفند و یک قدح شیر به دست پیامبر گرامی، سیر و سیراب شدند. سپس پیامبر ﷺ پیام الهی را به آنان ابلاغ کرد. ابولهب با جادو خواندن این مراسم، جلسه را بر هم زد و از ابلاغ پیامبر ﷺ جلوگیری کرد. روز بعد هم به همین ترتیب عمل شد و

۹. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۳؛ قس: جامع البیان، ج ۱۹، ص ۱۴۶.  
 ۱۰. نک: تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۳؛ تفسیر ثعلبی، ج ۷، ص ۱۸۲؛ الکامل، ج ۲، ص ۶۳.  
 ۱۱. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۳.  
 ۱۲. مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۵۶.  
 ۱۳. تفسیر ثعلبی، ج ۷، ص ۱۸۲.  
 ۱۴. الکامل، ج ۲، ص ۶۳.  
 ۱۵. برای نمونه نک: السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۶۲؛ مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۵۲-۳۵۳.

۱. تاریخ تحلیلی اسلام، ج ۱، ص ۸۴-۸۵.  
 ۲. نک: تاریخ طبری، ج ۲، ص ۶۳.  
 ۳. الارشاد، ج ۱، ص ۴۹؛ الشافی، ج ۳، ص ۱۴۴.  
 ۴. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۲۴؛ السیره الطلیبه، ج ۱، ص ۴۶۰.  
 ۵. نک: تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۵۱.  
 ۶. نک: الشیعة فی المیزان، ص ۴۲۹.  
 ۷. مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۵۶.  
 ۸. نک: تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۵۱.

گرد آورد و اطعام کرد. سپس انذار را به آنان ابلاغ نمود. ابولهب حاضران را به اطاعت از وی تشویق کرد و ابوطالب نیز وعده یاری داد و بسیاری از جمله جعفر بن ابی طالب و عتبه بن حارث در همین روز ایمان آوردند.<sup>۲</sup> این گزارش که تنها یعقوبی با روایتی مرسل آن را یاد کرده، افزون بر برخی نکات ناهمگون با سیر حوادث صدر اسلام مانند حمایت ابولهب، سبک و ساختاری داستانی دارد که نشان از برساخته بودن آن است.

روایت‌هایی دیگر نیز در شرح ماجرای آیه انذار گزارش شده که ناسازگاری‌های فراوان آن‌ها با دوره زمانی آغاز دعوت، مانند حضور افرادی چون حضرت فاطمه علیها السلام و عایشه که آن هنگام هنوز زاده نشده بودند<sup>۳</sup>، گویای آن است که احتمالاً شرح دعوت‌های بعدی پیامبر، به اشتباه با دعوت آیه انذار ارتباط داده شده است.<sup>۴</sup>

متکلمان شیعه با متواتر خواندن گزارش حادثه آیه انذار که به «حدیث دار» و «حدیث عشیره» معروف است<sup>۵</sup>، از این رخداد برای اثبات خلافت بلا فصل امام علی علیه السلام استدلال

دعوت خویشاوندان هستند و به اشتباه با موضوع آیه انذار که مربوط به دعوت خویشاوندان است، یکی انگاشته شده‌اند. برای نمونه در گزارشی آمده است که رسول خدا بر فراز کوه صفا رفت و با اعلان آن که می‌خواهد خبری مهم را به مردم برساند، قریش را پیرامون خود گرد آورد. نخست از کافران درباره صداقت خود و اعتماد و اطمینان آنان به خویشان اقرار گرفت و آن‌گاه ایشان را از عذاب سخت خداوند بیم داد. در این میان، ابولهب به پیامبر اعتراض و توهین می‌کند و در پی آن، در نکوهش او سوره مسد نازل می‌شود.<sup>۱</sup> این گزارش از جهت مخالفت با ظاهر آیه که انذار را برای خویشاوندان و نه همه قریش می‌شمرد و نیز استبعاد نزول سوره مسد/۱۱۱ با لحن شدید آن در این دوره آغازین، قابل نقد و تردید است.

بر پایه گزارشی دیگر، پیامبر بر کوه مروه ایستاد و ابتدا آل فهر را دعوت کرد و در پی آن همه قریش حضور یافتند. آن‌گاه با ندا دادن آل لؤی، آل کعب، آل مره، آل کلاب، آل قصی، آل عبدمناف و آل هاشم، تیره‌های مختلف قریش را به ترتیب استثنا کرد و تنها هاشمیان را نگاه داشت. سپس آنان را در منزل بزرگ‌ترین عموی خود حارث بن عبدالمطلب

۱. نک: جامع البیان، ج ۱۹، ص ۱۴۷.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۷.

۳. جامع البیان، ج ۱۹، ص ۱۵۰.

۴. نک: الدر المنثور، ج ۵، ص ۹۵-۹۶؛ المیزان، ج ۱۵، ص ۳۳۵.

۵. نهج الايمان، ص ۲۲۳؛ الطرائف، ص ۲۰؛ الغدير، ج ۲، ص ۲۷۸.

کرده‌اند.<sup>۱</sup> بر پایه روایتی، خود امام علی علیه السلام در دوران خلافتش با این آیه بر حقانیت خلافت و وصایت خویشتن استدلال کرده است. ابن کوّاء، یکی از خوارج، از وی پرسید: «چرا در میان فرزندان عبدالمطلب، تو وصی پیامبر شدی؟» امام با تمسک به آیه انذار، ماجرای آن روز را شرح داد.<sup>۲</sup> همچنین بر پایه گزارش ربیعة بن ناجد، علی علیه السلام در پاسخ این پرسش که چگونه وی با وجود عموی پیامبر از ایشان ارث برد، ماجرای روز انذار را شرح داد و به آن استناد کرد.<sup>۳</sup>

دانشمندان اهل سنت در واکنش‌های گوناگون، به نقد یا توجیه این روایت پرداخته‌اند. ابن تیمیه، حدیث دار را بر ساخته شمرده، اشکال‌های فراوان بر آن وارد ساخته و بر ترک آن ادعای اجماع کرده است.<sup>۴</sup> اما این روایت در منابع معتبر حدیثی بسیاری از اهل سنت آمده و از اشکال‌های سندی یا محتوایی پیراسته است.<sup>۵</sup>

#### ◀ منابع

الارشاد: المفید (م. ۴۱۳ق.)، به کوشش آل البيت علیهم السلام، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق؛ اطللس تاریخ اسلام: حسین مونس، ترجمه: آذرتاش آذرنوش، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۵ش؛ تاج العروس: الزبیدی (م. ۱۲۰۵ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق؛ تاریخ الیعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ تاریخ تحلیلی اسلام: محمد نصیری رضی، مجموعه معارف، قم؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۳ق؛ تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم): ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۹ق؛ تفسیر القمی: القمی (م. ۳۰۷ق.)، به کوشش الجزائری، قم، دار الکتاب، ۱۴۰۴ق؛ تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان): الثعلبی (م. ۴۲۷ق.)، به کوشش ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش صدقی جمیل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ الخرائج و الجرائح: الراوندی (م. ۵۷۳ق.)، مؤسسة الامام المهدي، قم؛ الدر المنثور: السيوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۶۵ق؛ السيرة الحلبیه: الحلبي (م. ۱۰۴۴ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۰ق؛ السيرة النبویه: ابن هشام (م. ۲۱۳-۸ق.)، به کوشش محمد محیی الدین، مصر، مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ق؛ الشافی فی الامامه: السيد المرتضى (م. ۴۳۶ق.)، به کوشش حسینی، تهران، مؤسسة الصادق علیه السلام، ۱۴۱۰ق؛ الشیعة فی المیزان: محمد جواد مغنیه (م. ۱۴۰۰ق.)، بیروت، دار المعارف للمطبوعات، ۱۳۹۹م؛ الصحیح من سیرة النبی صلی الله علیه و آله و سلم: جعفر مرتضی العاملی، بیروت، دار

۱. الشافی، ج ۲، ص ۷۷؛ منهاج الكرامه، ص ۱۴۸؛ غایة المراد، ج ۲، ص ۲۴۵.

۲. الخرائج، ص ۸۴.

۳. نهج الايمان، ص ۲۳۵-۲۳۶.

۴. منهاج السنه، ج ۷، ص ۴۴۵؛ الصحیح من سیرة النبی، ج ۳، ص ۶۳.

۵. نک: الفیدر، ج ۲، ص ۲۷۸؛ الصحیح من سیرة النبی، ج ۳، ص ۶۴-۶۵.

این آیه، ایشان مأمور شد پیامی بسیار مهم را از سوی خداوند به مسلمانان ابلاغ کند و اگر در ابلاغ آن کوتاهی ورزد، رسالت خویش را به انجام نرسانده است. خداوند به وی اطمینان می دهد که او را از گزند و آسیب مردم حفظ کند: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾. با نزول آیه و جوب حج (حج/۲۲، ۲۷) در سال دهم ق. ۱، منادیانی از سوی رسول خدا ﷺ اعلان کردند که ایشان عازم حج است.<sup>۳</sup> همین مطلب با پیک به مسلمانان دور از مدینه نیز اعلان شد.<sup>۴</sup> همچنین پیامبر ﷺ در نامه ای به حضرت علی عليه السلام که از طرف ایشان به یمن فرستاده شده بود، از او خواست که همراه مسلمانان آن دیار به مکه بشتابد.<sup>۵</sup> شماری بسیار از مسلمانان، همسران پیامبر<sup>۶</sup> و حضرت فاطمه عليها السلام در این سفر با پیامبر ﷺ همراه شدند.<sup>۸</sup>

۲. جامع البيان، ج ۱۷، ص ۱۸۹؛ التبيان، ج ۷، ص ۳۰۹؛ السيرة الحلبية، ج ۳، ص ۳۰۸.  
 ۳. الكافي، ج ۴، ص ۲۴۵؛ دلائل النبوة، ج ۵، ص ۴۳۳؛ البداية و النهاية، ج ۵، ص ۱۲۷.  
 ۴. بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۳۹۶؛ مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۲۸۲.  
 ۵. روض الجنان، ج ۷، ص ۶۳؛ مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۲۸۳.  
 ۶. السيرة النبوية، ابن هشام، ج ۴، ص ۶۰۱؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۴۰۱؛ عيون الاثر، ج ۲، ص ۳۴۲.  
 ۷. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۹؛ البداية و النهاية، ج ۵، ص ۱۳۱؛ السيرة الحلبية، ج ۳، ص ۳۰۸.  
 ۸. السيرة النبوية، ابن هشام، ج ۴، ص ۶۰۲؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۰۴؛ عيون الاثر، ج ۲، ص ۳۴۴.

السيرة، ۱۴۱۴ق؛ الطرائف: ابن طاووس (م. ۶۶۴ق.)، قم، مطبعة الخيام، ۱۳۹۹ق؛ غایة المرام فی شرح شرائع الاسلام: مفلح بن الحسن الصیمری (م. قرن ۹)، به کوشش کوثرانی، بیروت، دار الهادی، ۱۴۲۰ق؛ الغدير: الامینسی (م. ۱۳۹۰ق.)، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ش؛ الكامل فی التاريخ: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۵ق؛ المعجم الاحصائی: محمود روحانی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶ش؛ مفردات: الراغب (م. ۴۲۵ق.)، نشر کتاب، ۱۴۰۴ق؛ منهاج السنة النبویه: ابن تیمیه (م. ۷۲۸ق.)، به کوشش محمد رشاد، مؤسسه قرطبه، ۱۴۰۶ق؛ منهاج الكرامه: العلامة الحلبي (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش عبدالرحیم مبارک، مشهد، تاسوعا، ۱۳۷۹ش؛ المیزان: الطباطبائی (م. ۱۴۰۲ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ق؛ نهج الايمان: علی بن یوسف ابن جبیر (م. قرن هفت)، به کوشش احمد حسینی، مشهد، مجتمع امام هادی عليه السلام، ۱۴۱۸ق.

محمد یعقوب بشوی



## آیه تبلیغ: آیه شصت و هفتم سوره مائده،

متضمن ابلاغ ولایت و امامت علی بن

ابی طالب عليه السلام در بازگشت از حجة الوداع

این آیه که در واپسین روزهای حیات رسول خدا ﷺ نازل شد، به جهت داشتن واژه «بَلِّغْ» به آیه تبلیغ معروف شده است.<sup>۱</sup> بر پایه

۱. نهج الحق، ص ۱۷۲؛ الغدير، ج ۱، ص ۹؛ نمونه، ج ۵، ص ۴.